

# روابط اجتماعی در قرآن

اولین زمینه بروز و ظاهر ماهیت درونی و خمیره و جوهر ذاتی انسان در جامعه چهره و سیمای ظاهری و نیز رفتار اجتماعی او می باشد که بطور کلی نمایانگر وجهه اجتماعی انسانست.

وجهه اجتماعی در حکم اولین نمود و نمایش انسان در جامعه است که زمینه را برای هر گونه رابطه او با دیگر افراد جامعه فراهم میکند.

چنانکه اولین نمود یک شیء عظیم یا یک ساختمان کوچک و یا منظره ای طبیعی چهره شده است و ما بعد از توجه ظاهری به این صورت چنانچه تصدیق و تأیید بیشتر می گیریم.

مثلا بعد از دیدن نمای یک ساختمان مدخل است طبعی و کنشی در ما ایجاد کند و تصمیم بگیریم از داخل آن دیدن کنیم یا آنرا برای سهولت خریداری تصمیم بگیریم. بالعکس ممکن است سیمای ظاهری چهره ای نداشته باشد و در میان نگاه اول از پراختن به آن در ظاهر کشیم.

وجهه اجتماعی انسان نیز همین گونه است و می تواند با چهره و خویش دیگر افراد را بسوی خود و روابط اجتماعی را استحکام بخشد و با دافعه داشته باشد و ایجاد برآکنده روابط اجتماعی را فراهم گسخته سازد.

به همین جهت افراد جامعه با ارائه وجهه اجتماعی خود در محیط اجتماعی را می توانند اثرات مثبتی ایجاد نمایند. هم نفسی با یکدیگر می دهند و در محیط خود عواملی که نقاط حساس بیشتری دارند برپا می آورند. محکم تری را برقرار کرده و با توسعه آن ترکیب روحی جامعه را استحکام می بخشد.

وجهه اجتماعی انسان در قرآن که بر دو زمینه یعنی از نمود ظاهری انسان در بر میگیرد که در یک زمینه گویای چهره و سیمای ظاهری

انسان و تأثیر آن بر روابط اجتماعی است و در زمینه دیگر تأثیر نمود رفتاری انسان بر روابط اجتماعی پی میگیرد که هر زمینه را جداگانه شرح میدهیم.

خویش بنحوی خود را بجامعه معرفی مینمائیم و بمردم امکان میدهیم تا با دقت در حالات ظاهری ما تا حدودی به افکار و تمایلات و کیفیات درونی ما پی ببرند.

## وجهه اجتماعی

سیمای اجتماعی چیست؟

انسانی ترین نوع روایتی که ما طی هر نفس و تحرکی با جامعه

پیامبر اکرم (ص):

نماید اگر کسی نتواند با اموال خود به همه مردم گشایش دهد پس با چهره های باز و خوشرویی به آنها برخورد نکند.

خویش برهمن می کشم از طریق حالات و هیجانات و نیز علامات و نشانه ها نیست که در قیافه و سیمای ظاهری ما بروز میکند.

بطوریکه قیافه ما اگر چه خاموش است اما همواره نوعی رزومه و سحریت و پیام با افراد پیرامون خویش مبادله میکند.

نگاه کودنهای پیامبر، گردش چشمها، حسدگی اسروان، شکل پذیری لبها و رنگارنگی گونه هایمان که با هر رویارویی رنگی بخود میگیرد هنگام رزومه و رزوهی دارند که بسبب روابط تاریخی را بین ما و دیگران برقرار مینماید.

درحقیقت ما با حالات قیافه

چنانکه وقتی ما از افکار و تمایلات آرامی برخورداریم نوعی آرامی و خونسردی برچهره ما حکم فرمات و بسادگی ثبات خود را از دست نمی دهد. اما در صورت داشتن تمایلات شدید و حساس بودن در آنها خودبخود در برخورد با اغلب مسائل و مشکلات، حالات چهره ما دستخوش تغییرات و هیجانات شدید می شود.

ما با حالات قیافه خویش بنحوی خود را بجامعه

معرفی می نمائیم

توصیف قرآن از چهره انسان در جهت مقاصد الهی آن قرار دارد

همچنین در برخورد با حوادث زندگی اولین انعکاسات متقابل درونی در قیافه ما بروز میکند چنانکه رخ دادن حوادث خوشحال کننده به صورت شادمانی و انبساط و لبخندهای پیامی چهره ما را مزین می نماید و بالعکس حوادثی که برخلاف خواستههای ماست پردهای از تأثر و تأسف و حزن و اندوه را

برسیمای ما می پوشاند. سیمای انسان اجتماعی در قرآن.

قرآن کریم تصاویر مشخصی را که از سیمای انسان دارد ترسیم میکند و تغییراتی را نیز که چهره انسانرا دگرگون می سازد بیان میدارد بطوریکه آیات زیادی در این زمینه ارائه می دهد.

اما چنانکه میدانیم قرآن کتاب واقعه نگاری نیست باین معنی که حالات انسانرا در حین وقایع تاریخی و اجتماعی ثبت کند و گزارش دهد. بلکه بنا بر جهت و هدف الهی که دنبال می نماید قسمتی از برنامه های خود را در حوزه وقایع تاریخی و اجتماعی بیان میکند.

توصیف قرآن از چهره انسان نیز در جهت مقاصد الهی آن قرار دارد و بنحوی ارائه میشود که چهره سالم و طبیعی انسان از لابلای نموده های ناسالم و پلیدی که سعی در پوشاندن آن دارند هویدا گردد و جامعه اسلامی تلاش خود را در جهت کسب چنین چهره و هویت اجتماعی قرار دهد. تا چهره هر فرد از جامعه نه تنها سبب دفع دیگران از اطراف او نشود بلکه چنان جذبه ای داشته باشد که هر جا نمود می یابد اسباب همبستگی گوشه ای از جامعه را فراهم آورد.

به همین دلیل تصاویری از سیمای انسانها را با بعد شخصیتی متفاوت در قرآن کریم مینیم که در سبهای ارزنده ای را برای ما دارد. در یکی از این تصاویر سیمای پیامبر اکرم (ص) که انسان برگزیده خداوند است ترسیم میشود هنگامیکه عبدالله بن ام مکتوم فرد نابینای جامعه اسلامی نزد او میرسد و چون احساس نوعی کدورت در قیافه پیامبر می نماید و ظاهرا مورد

بی اعتنائی قرار میگیرد فوراً  
سوره ای از قرآن (۱) نازل میشود و  
شدیدترین هشدار و تذکر را متوجه  
پیامبر برگزیده خداوند می نماید و  
او را از اینکه سیمای اجتماعیش  
سبب رابطه ای نامطلوب شده است  
و فردی از اعضای جامعه را رنجانده  
ملامت مینماید تا جائیکه پیامبر  
بهمواره از این آیات یاد میکند و  
شخص عبدالله بن ام مکتوم را  
شدیدا محترم میدارد در تصویری  
دیگر آیات قرآنی ترسیم کننده قیافه  
خشمگین و در هم رفته عرب جاهلی  
میشوند هنگامیکه باو خیر صاحب  
شدن فرزند دختری را میدهند و در  
توصیف آن میفرماید:

«وإذا بشر أحدكم بالأنثى ظل وجهه  
مسوداً و هو كظيم»

(سوره نحل ۵۸)  
«چون ببینی از آنها بشارت تولد  
فرزند دختری را دهند چهره اش سیاه  
میشود و به شدت آندوهگین و  
غضبناک میگردد»

بدیهی است که قرآن در ارائه این  
تصاویر در پی مقصد الهی خویش  
است و در ترسیم چهره انسان چه  
پیامبر و برگزیده خدا باشد و چه  
نمودی از قسارت عرب جاهلی.  
همواره سعی در ارائه چهره اصیل  
انسان که از طبیعت و سرشت خدا  
جوی او الهام گرفته است می نماید.  
قرآن جامعه ای را تصویر میکند که  
سیمای ظاهری انسانها نیز وسیله  
ایست در جهت تداوم روابط بین  
مردمی و در این جهت نمودهائی از  
روابط فکری و روحی را که بین  
سیمای انسان و جامعه او برقرار  
میشود ارائه میدهند که علاوه بر  
مثالهای فوق نمونه های دیگری از  
این روابط را میتوان ارائه داد:

### الف- ایجاد رابطه اقتصادی

از جمله روابطی که مورد  
علاقه شدید افراد هر جامعه است  
رابطه اعتقادیست زیرا ارتباط و هم  
سویی عقیدتی از عوامل مهم  
همبستگی اجتماعی میباشد. قرآن  
کریم یکی از عواملی که اولین  
زمینه های ارتباط عقیدتی را فراهم  
میکند و افراد معتقد را به هم نزدیک  
می نماید، نمود و تظاهر اعتقاد

اسلامی در سیمای ظاهری مسلمانان  
میداند. تا بدینوسیله نسبت به ایمان  
و اعتقاد همدیگر آشنائی بیشتری  
پیدا کرده و خواستار روابط  
صمیمانه تری با هم باشند در یکی  
از تصاویر که قرآن در این زمینه  
ارائه میدهد بعد از بیان روابط و  
تمایلات و جلوه های جامعه صدر  
اسلام و توصیف احوال یاران عظیم  
الشان پیامبر اکرم (ص)، نشانه های  
این اوصاف برجسته آنها را به  
صورت تجسم یافتن دیانت اسلامی  
در سیمای ظاهری آنها تصویر  
میکند.

### وجه اجتماعی در حکم اولین

نمود و نمایش انسان  
در جامعه است که زمینه را  
برای هرگونه رابطه او با  
افراد جامعه فراهم میکند.



قیافه ما اگر چه خاموش  
است اما همواره نوعی زمزمه  
و صحبت و پیام با افراد  
پیرامون خویش مبادله  
میکنند

ترجمه آیات قرآنی در این زمینه  
چنین است:  
«محمد (ص) رسول خداست و  
یاران او سختگیرترین افراد نسبت  
به کفار و مهربانترین افراد بین  
خودشان هستند آنها را در برابر  
عظمت خداوند رکوع کننده و سجد  
کننده می بینی و همواره جویای  
فضل

و برکت خداوند و نیز رضا و  
خشنودی او هستید»

(سوره فتح آیه ۲۹)

آیات فوق بیان اوصاف یاران  
پیامبر (ص) است و قرآن کریم  
علامت و نشانه این اوصاف را در  
چهره ظاهری مسلمانان مجسم می  
داند. چنانکه در ادامه آیات خود

میفرماید:

«سیمانم فی وجوههم من  
اثرا لسجود»

«نشانه های سجده و اعمال خدا  
پسندانه آنها در چهره هایشان نقش  
بسته است» بدیهی است که بیان آثار  
سجده، نشاندن تمامی مشخصات  
اعتقادی و روحانیت که در چهره  
مؤمنین تجلی مییابد و زمینه را  
برای ایجاد روابط اعتقادی میسر  
میسازد.

### ب - ایجاد رابطه عاطفی

نوع دیگری از رابطه ای که  
حالات چهره انسان با جامعه برقرار  
میکند رابطه عاطفی است.  
رابطه عاطفی سبب ارتباط  
مستقیمی که با روح انسان دارد  
تاثیر زیادی در همبستگی اجتماعی  
میگذارد. زیرا هرگونه تغییراتی که  
در عواطف و احساسات انسان روی  
دهد و روح او را متاثر سازد به همان  
میزان ترکیب روحی جامعه را نیز  
متاثر می کند.

علی (ع):

از علامات مومن آنست که  
شادیش بر چهره و آندوه او  
بر دلش باشد



اطمینان درونی طبیعی ترین  
و اصیل ترین نمود فطری  
انسان در سیمای اوست.

قرآن کریم گونه هایی از بروز  
عواطف انسان را در سیمای اجتماعی  
او و روابطی را که از این طریق  
برقرار می شود بیان میدارد.  
گونه ای از بروز این عواطف  
در سیمای انسان بیانگر نیازهای  
پنهان اوست قرآن کریم در مورد  
افراد نیازمند که بخاطر حفظ آبروی  
خود نیازشان را پنهان می کنند  
میفرماید:

«ووجهه الی داخل الخیاء من  
الضعف تعرفهم بسامع  
لا یستلوی الشان العفا» (بقره  
آیه ۲۷۳)

«افراد ناآگاه مگر می کنند آنها  
توانگر و قوی هستند مستند بر اینها با  
شعاع باطنی است که بخاطر ضعف نفسی  
که دارند چیزی از مرتبه سعی  
نخواهند اما بیای آنرا را از چهره  
هایشان می آید فهمید»

بدانکه در مس آیه بر روی اندام  
تمام ملو ضعیف عطف نفسی که در  
انسان مومن وجود دارد و او را از  
پانگه آبروی اجتماعی متمسکین  
نمیسازد که سستی او هم چون  
رنگ گویانست که روابط عاطفی  
جامعه را به هم گت میبندد و دیگر  
افراد جامعه آشنائی نسبت به  
نیازهایش به وقت حاصل نموده و در  
رفع آنها کمک کند.

مسئولان دیگر از عطف  
انسان بر خود آرزوی و نیازهای  
خالصانه او آری دارد و روابطی نیز  
در این جهت بین انسان و جامعه اش  
برقرار میسر می شود.  
قرآن کریم در این مورد صریح  
بسیار زاریش را تصویر می کند  
انجا که میفرماید:

«لولا واسیهم تقض من الذمع  
حزنا الایجاد ما یفقون»  
«راز گشاده در خالیکه اشک از  
پشیمانیان جاری بود و جز در  
وجودشان

عوبت آریا که وسیله ای نمی  
یافتند تا این راه خدا اتفاق کند»

این آیه بیانگر واقعه ایست که  
هنگام غریبت پیامبر برای جنگ با  
کفسار روی داد و گروهی از  
مسلمانان که خواستار آرزومند  
پیوستن به سپاه اسلام و نیل به  
فیض شهادت بودند به سبب داشتن  
امکانات و ساز و برگ لازم نمی  
توانستند ساد اسلام را همراهی  
کنند. بر آنکه تمامی ناکامی درونی  
خود را بصورت قطرات اشک در  
چهره شان آندوه بار خویش جاری  
میسازند و بدینوسیله طاسنامه ترین  
روابط عاطفی را با روح جامعه  
خویش برقرار میسازند.

به همین نحو مستوی دیگر  
بقیه در صفحه ۴

# خاطرات یک جهادگر...

## روابط اجتماعی در قرآن...

(۲)

تمامی اوصاف پسندیده است و تصویری از سیمای اجتماعی انسانرا ارائه می دهد که فشرده بیانات فوق است آنجا که میفرماید: «یا ایها النفس المطمئنة، ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (سوره فجر آیه ۲۹) یعنی ای نفس آرامش یافته و مطمئن، بازگرد بسوی پروردگارت درحالیکه تو خشنود هستی و دیگران از تو خشنودند»

بدیهی است که اینگونه اطمینان دینی طبیعی ترین و اصیل ترین نمود فطری انسان در سیمای اوست و خشنودی الهی بهترین روح و تحرک حقیقی را در روابط اجتماعی می دهد

ادامه دارد

۶۰/۷/۱

۱- عبس و توانی ان جاءه الاغسی و ما یریک لعنه بزرگی (عبس آیه ۲۶)

عواطف انسان مربوط به نمود عاطفی می شود که میبایست در حالت طبیعی با جامعه خویش داشته باشد مانند: خوشرویی، پشاشت، خشنودی و آرامش و امثال آن که ما در این زمینه ها حدیثهای زیادی از پیشوایان بزرگوارمان داریم. مانند این اندرز پیامبر (ص) که به گروهی از اهل خانواده خویش می دهد و آنها را موظف می دارد که:

«شما اگر نمی توانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید پس با چهره

ریز و خوشروئی با آنها برخورد کنید» (کافی ج ۳ ص ۱۶۱)

و گفتار علی (ع) که در بیان علامات مؤمن میفرماید:

«بشرفه فی وجهه و حزنه فی قلبه...» (کافی ج ۳ ص ۳۲۱)

یعنی از علامات مؤمن است که شادیش برچهره و اندویش دزدلش باشد اما کلام قرآن جامع

بلند و بدنمان بسیار کثیف بود. یکروز بعد از اصرار فراوان قرار شد که رضا تهرونی ما را به رودخانه ببرد که بدنمان را بشوئیم ما را بخیط کردند و با دو نفر مسلح به پای رودخانه رفتیم و در آنجا بهرام که آدم دنیا دیده ای بود و ضمناً تا آنروز پول و ساعتش را حفظ کرده بود، بمن گفت که باید خیلی مواظب باشیم چون این بابا اگر دستش برسد جیب هایمان را خالی خواهد کرد بنابراین دو نفری قرار گذاشتیم چهار چشمی لباسهای او را بپانیم و تا حد امکان از لباسها دور نشویم، حدس او کاملاً درست بود چون بعد از پنج دقیقه کار بچانی رسید که سه جفت چشم دائم لباس های بهرام را می پانید زیرا که رضا پیشمرگه نیز نظرش جلب شده بود بعد از مدتی وقتی دید که ما دو نفر حتی برای یک لحظه چشم از لباسها برنمیداریم شروع کرد به شوخی و آب پاشی و آمد درست روی لباسها نشست ولی برای اجرای مقصودش کافی نبود.

ادامه دارد

کسیکه دستش میرسد ما را میزد و مفت میبخشیم.

فردای آنروز معلوم شد که تعدادی از آقایان اسلحه شان را زمین گذاشته اند. در میان پیشمرگهای اینجا یک خواهر و برادر هم بودند که اسم خواهر مریم بود دختری بود نسبتاً چاق با لباسی ساده و از صبح تا شب واقعا زحمت میکشید غذا می پخت جارو میکرد بمجره وحسان میرسید و ظرف می شست. مثلاً یکروز که بچه هارا برای هیزم جمع کردن برده بودند حسین پاسدار را دلداری داده بود که نترس شاید روزی آزاد شدی. بعدها همین دختر بدست پاسداران اسیر شده بود و بعد از مدت کوتاهی تحت تاثیر آنان قرار گرفته و با آنها در مورد شناسائی دمسکراتها همکاری میکرد و وقتی که ما در من برای پیدا کردن من بگردستان آمده بود در سندانج عکس مرا با او نشان داده و اوشناخته بود و تا حد امکان اطلاعاتش را داده بود.

وضع بهداشتی ما خیلی بد بود لباسهایمان و سر و بدن ما پر از شپش شده و موی سر و ریشمان

(گرچه این دستور در صحبتی که امام با شورای نگهبان داشتند صادر شد)

### ملی کردن بازرگانی خارجی

طرح ملی کردن بازرگانی خارجی به کجا رسیده است؟

ج - ملی کردن بازرگانی خارجی مطلبی است که مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی و بدون تصویب قانونی جدید نیز دولت موظف با اقدام و عملی کردن است. منتهی از جهت شکل دادن به کار در مجلس بتصویب رسید که وزارت بازرگانی طی مدتی معین لایحه آنرا تهیه کرده و برای تصویب به مجلس آورد و انشاءالله در موعد مقرر این لایحه تقدیم مجلس خواهد شد.

اما بطور کلی برای احیاء وضعیت بازرگانی و تولید کشور و کمک به مستضعفین موارد زیر باید صورت پذیرد:

۱- شناسائی وضعیت و موقعیت دقیق اقتصادی مملکت از جهت نابسانانها و امکانات مادی و انسانی

۲- برنامه ریزی درازمدت و کوتاه مدت در جهت حذف رشته های وابستگی و تقویت زمینه های خودکفائی با مخفی کردن سیاستهای قبلی

۳- حذف انقلابی بودجه ای که هم اکنون بعنوان هزینه های جاری و بیمران حدود ۶۲٪ باسور جاری اختصاص داده میشود و هدایت آن بطرف تولید.

۴- رفع موانع تولید از قبیل تقسیم زمین و آب

۵- قرار دادن امکانات تولیدی در اختیار روستائیان

۶- توجه به رفاه و عمران روستاها در این رابطه نیز به مطلبی حساس و دقیق باید اشاره نمایم و لازم به توضیح است که تاکنون به این مسئله نیز بعد از انقلاب توجه چندانی صورت نگرفته است. مسئله مربوط به شناسائی دقیق وضعیت و واقعیتهای اجتماعی - اقتصادی جامعه است که بدون این شناسائی و داشتن آمار

و ارقام و ساکنی صحیح کاری نمیتوان انجام داده و برنامه ای را می توان طرح ریزی کرد در این زمینه پیشنهاد می کنیم که نهادهای انقلابی به کارها و داده های ادارات دولتی مشاهدات و برخوردهای جرس خویش با واقعیات اکتفا نکرده و سعی کنند اطلاعاتی دقیق از همه نقاط مسکونی و غیر مسکونی مملکت بدست آورند تا چنانکه منجر به تهیه نشاءنامه ای جامع برای هرواحد اعم از شهر و روستا و کارخانه و پادگان و وزارتخانه و... گردد. بعد از تهیه این نشاءنامه ها است که

۱- میتوانیم دیدن آئی و واقع گرایانه سبب به وضع کلی مملکت داشته باشیم

۲- براساس این دید کلی نقاط ضعف و قوت را بفهمیم و برنامه ریزی کنیم

۳- اولویت ها را مشخص کنیم

۴- ابهامات سیاسی و اقتصادی موجود را روشن نماییم که دشمن در سایه این ابهامات رشد میکند